

چشم‌انداز جنبش معلمان

سعید مدنی



چشم‌انداز جنبش معلمان با دو عامل می‌تواند توضیح داده بشود. عامل اول پویایی درونی‌اش است. به خوبی روشن است که پویایی درونی جنبش چقدر اهمیت دارد. چقدر به بقایش، به مواجهه با شرایط، به تطبیق‌اش با شرایط کمک می‌کند. یکی از عوامل مهم رمز بقای جنبش‌ها و به‌طور مشخص جنبش معلمان رعایت سه اصل اساسی است. یعنی

کاهش ریسک؛ گاه دعوت به کاهش ریسک محافظه‌کاری محسوب میشود در حالی که بین محافظه‌کاری (۱) و کاهش ریسک تفاوت وجود دارد. محافظه‌کاری ناشی از خوی و خصلت طبقاتی است ولی کاهش ریسک به معنی عقلانیت و هزینه-فایده کردن است به این معنا که جنبش معلمان در هر برنامه یا فعالیت‌اش باید محاسبه کند در مقابل هزینه‌های فعالیت چه فواید و دستاوردهایی نصیب‌اش میشود. آیا فواید بیشتر از هزینه هست؟. این اصل به معنی محاسبه ریسک است

خشونت پرهیزی: جنبش معلمان باید به هر نحوی روحیه و منش خشونت‌پرهیزی‌اش را تقویت کند. (۲) افزایش خشونت به معنی افزایش هزینه و ریسک فعالیت جنبش و به نوعی کاهش قدرت بسیج جنبش است

تقویت مشارکت : هر چقدر جنبش مشارکت طلبانه‌تر عمل کند، هر چقدر بتواند مشارکت بدنه را در (۳) فعالیت‌های جنبش افزایش بدهد، موفقیت اش بیشتر تضمین می‌شود. جنبش معلمان باید الگوی وحدت در عین کثرت را درون خودش نهادینه کند. یعنی بپذیرد که «ما»ی جنبش معلمان با هویت و موضوع مبارزه مشخص درون خود افراد و گروههایی با دیدگاه‌های مختلف دارد.

عامل دوم اثر گذار بر چشم انداز جنبش معلمان شرایط بیرونی و بستر سیاسی - اجتماعی کنونی است. چشم‌انداز جنبش معلمان جدا از چشم‌انداز وضعیت کل جامعه ایران نیست. یعنی یک جنبش آن هم جنبش معلمان با این سطح از فراگیری سرنوشت اش با سرنوشت جامعه ایران پیوند خورده است. بنابراین برای نشان دادن چشم‌انداز جنبش معلمان به عنوان یک جنبش نسبتاً فراگیر باید چشم‌انداز جامعه ایران را توضیح دهیم. به عبارت دیگر اگر نظام حکمرانی قادر باشد به مطالبات مردم ایران پاسخ بدهد، در این صورت قادر خواهد بود به مطالبات معلمان نیز پاسخ بدهد. آیا ممکن است میزان فقر یا نابرابری در جامعه به همین ترتیب بماند یا وضعیت بدتر شود و مثلاً معلمان وضعیت بهتر داشته باشند؟ آیا امکان دارد اوضاع اجتماعی و فرهنگی به همین ترتیب بماند و معلم‌ها از شأن و منزلت و در واقع درآمد کافی برخوردار باشند؟ آیا امکان دارد میزان کارآمدی و اثربخشی نظام حکمرانی به همین میزان پایین باشد و نظام آموزشی از کارایی و اثربخشی برخوردار باشد؟ آیا ممکن است سیاست‌های کلی سیاست‌های لیبرال و نئولیبرال باشد، آزادسازی نظام آموزشی، آزادسازی فساد، آزادسازی قیمت‌ها، آزادسازی همه چیز و پولی‌سازی مدارس و بعد در مقابلش مثلاً آموزش پرورش این ویژگی را نداشته باشد؟ ممکن نیست. به این اعتبار نه تنها سرنوشت جامعه معلمان بلکه سرنوشت کل جامعه، سایر نیروهای اجتماعی از جمله کارگران، زنان، بازنشستگان و گروه‌های دیگر اجتماعی هم با چشم‌انداز جامعه ایران داریم پیوند خورده است.

در برابر این سوال که آیا نظام حکمرانی قادر است که به مطالبات معلمان پاسخ بدهد؟ سه پاسخ می‌توانیم داشته باشیم. یک پاسخ منفی است. مبنای این پاسخ این است که اگر وضع موجود به همین ترتیب ادامه پیدا کند؛ یعنی بحران ساختاری که نظام حکمرانی را فراگرفته به همین ترتیب ادامه پیدا بکند، در این صورت و در شرایطی که نظام حکمرانی دچار بحران‌های ساختاری است، امکان حل نه تنها مشکل معلمان بلکه هیچ مشکل دیگری هم نیست. یعنی نظام حکمرانی نمی‌تواند مشکل معلمان را حل کند. اگر تورم ساختاری چهل درصدی را نتواند کاهش دهد مشکل معلمان حل نمی‌شود. در حالی‌که ارزش پول ملی روز به روز کاهش پیدا می‌کند، مشکل معلمان را نمی‌توان حل کرد. در حالی‌که نظام روابط اقتصادی رانتیر است و مبتنی بر فساد ساختاری، منابع جدی برای تخصیص به منظور حل مشکلات معلمان و پاسخ به مطالبات آنها وجود نخواهد داشت. پس در صورت ادامه وضع موجود که نهایتاً می‌تواند به فروپاشی و ورشکستگی دولت منجر بشود، سیاست اصلی نظام حکمرانی سرکوب خواهد بود و برخورد شدیدتر. چرا؟ این فرایند فروپاشی را شما در اقتصاد می‌بینید، همین الان در واقع فرایند فروپاشی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی ماه‌هاست و شاید

سال‌ها هست که شروع شده. فعلاً علائمی از فروپاشی امنیتی-نظامی نمی‌بینیم ولی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی فروپاشی را می‌بینیم. برای مثال افزایش اشکال قبیح و زشت خشونت در جامعه، مثل سربریدن و به قتل رساندن و افزایش خودکشی در گروه‌های مختلف اجتماعی و خیلی چیزهای دیگر نموده‌ای این فروپاشی اجتماعی هستند. بنابراین در صورت ادامه وضع موجود و تداوم این بحران‌های ساختاری نهایتاً نظام حکمرانی قادر نیست که به مطالبات معلمان پاسخ بدهد و تنها واکنش به اعتراضات سرکوب است.

ممکن است نظام حکمرانی به مطالبات معلمان موقتی و ناقص پاسخ بدهد. یعنی چه؟ یعنی اینکه ساختار موجود را حفظ کند اما برخی رفرم‌ها در آن انجام بدهد. مثلاً تا حدی از طریق توافقی که در برجام در حال شکل‌گیری است بهبودی در وضعیت ارزی ایجاد بشود و بخشی از دلارهای نفتی تزریق بشود. در این صورت ممکن است که بخشی از مشکلات حل شود و با درآمدهایی که ایجاد می‌شود تا حدی تورم کاهش پیدا کند اما مشکل این است که چون ساختار دچار مشکلات اساسی است، اساساً امکان حل مسئله نابرابری و تورم ساختاری در میان مدت غیرممکن است. در واقع اساساً مسئله ایران در وهله اول منابع نیست. مسئله ساختار است. بنابراین ممکن است که در صورت توافق در برجام و بهبود موقت وضعیت اقتصادی نظام چیزی هم نصیب معلمان بشود ولی این قطعاً موقتی و ناپایدار است و نمی‌تواند یک وضعیت پایدار ایجاد کند، نمی‌تواند عامل ایجاد فقر فزاینده و تورم بالا را از بین ببرد اما بهبودی موقت ایجاد میکند. بنابراین گزینه دو چشم‌انداز مقابل‌مان پاسخ موقتی و ناقص است به مطالبات معلمان.

چشم‌انداز این است که نظام به مطالبات معلمان پاسخ جدی و پایدار بدهد؟ چگونه؟ در صورتی‌که تغییر و اصلاح ساختار صورت بگیرد. یعنی اگر که حاکمیت بپذیرد که ساختار غیردموکراتیک، ناعادلانه و ناکارآمد است، فسادزا است، مشروعیت‌زدا است، و بعد به اصلاح ساختار در چهارچوب منافع ملی اقدام کند، ساختار را دگرگون کند و تغییر بدهد. در آن صورت به مطالبات معلمان در کنار دیگر اقشار پاسخ داده خواهد شد.

منبع: ما زنان